

پیام شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران به رفیق کارباچف



رفیق ارجمند میخائيل سرگیویچ کارباچف!

کمیته مرکزی حزب توده ایران آنچه شایسته شما را به مقام دبیر کلی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی، صمیمانه تبریزک می گویند.

این انتخاب گویای تصمیم راست کمونیست های اتحاد شوروی مبنی بر اجرای سیاست دگرگونسازی و تحولات عمیق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه شوروی و کاریست نوآندیشی در همه عرصه های مناسبات بین المللی پغاطر صلح و امنیت جهانی و همکاری و دوستی خلقها و کشورهاست که شما پکی از پانیان اصلی آن هستید.

رفیق گرامی! بار دیگر برای شما و حزب کمونیست اتحاد شوروی که عهد دار وظیفه ای خلیل در پکی از پنجه ترین ادوار حیات کشور و حزب شده اید، آرزوی موقیت می کنیم و پیروزی شما را در راه حفظ ثبات و وحدت کشور شوراها، اجرای موقیت آمیز امر دگرگونسازی و جامه عمل پوشاندن به اندیشه والای سوسیالیسم انسانی و دموکراتیک خواهانیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

نامه
مردم

از کان مرکزی عرب توده ایران

شماره ۳۲۰، دوره هشتم،
سال هفتم، ۲۶ تیر ۱۳۶۹

صلح و آزادی

در کانون توجه مبارزه خلقها

در جهان یکپارچه، بهم پسته و بهم پیوسته کنونی که روندهای بین المللی شدن رشدیابنده، همه گستره های زندگی جامعه انسانی را فرا می گیرد، هیچ کشور و خلق و دولتی نی تواند خود را بیرون از دایره تاثیرات این طوفان تحولات قرار دهد.

جهان از یک سو، و از سوی دیگر تحولات دموکراتیک در اروپای شرقی و بسیاری از کشورها در قاره آسیا، آفریقا و آمریکا، در راستای قبول پلورالیسم سیاسی، نظام چند حزبی، برقراری حکومت متنکی بر قانون و به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت خلقها به ایجاد جهانی به نسبت امن تر از پیش، جهانی که در آن پیش شرط های زایش و بالش مناسبات انسانی طراز نوین فراهم گردد، انجامیده است.

در این اوضاع به نسبت ساعد بین المللی شاهد آنیم که در کشورهای استبداد زده، خلق های تحت ستم پیش از پیش به پا می خیزند تا با آرمان های والای صلح، آزادی، پیشرفت اجتماعی و عدالت ادامه در ص ۲

صلح و امنیت فراگیر و آزادی و دموکراسی بیش از پیش در کانون توجه و مبارزه خلقها قرار می گیرد و به اهداف درازمدت و کوتاه مدت احزاب و سازمان های سیاسی و نیروهای اجتماعی رنگ و محتوا می بخشند. این روند قانومند است و ریشه در دریافت واقعیات عینی جهان امروز، ضرورت های این مرحله از تکامل جامعه انسانی و سطح رشد آکامی و فرهنگ و تمدن پسر دارد.

بهبود مناسبات بین المللی، کاهش مسابقه تسلیحاتی، پذیرش روزافزون حل مسائل مورد اختلاف بین دولتها و نیروهای اجتماعی گوناگون در درجه اول با پکارگیری ابزارهای سیاسی و فرونشستن اتش جنگ و تشنج در بسیاری از "کانون های داغ"

هم میهنان!

در این فاجعه ملی از هر گونه کمک به زلزله زدگان دریغ نورزیم!

انکار عمومی برساند و در این زمینه از مردم نظرخواهی کند. با این حال، نباید در این شرایط دشوار، شهرها و رستهای زلزله زده را به آمید برنامه دولت رها ساخت. معمولنامه ما در این مناطق تباید احسان تنهائی و بی پشت و پنهانی کنند. پاری و همبستگی و غصخواری نسبت به همتو در هنگامه بلاایا و فجایع طبیعی و رویدادهای شوم اجتماعی که از ویژگیهای ملی ما ایرانیان است باید در عمل ما، در بالاترین سطح خود تجلی یابد.

از اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۹۹
در ارتباط با فاجعه زلزله مرکزا و پیرانگر

۶۶ ایرانیان شریف و انساندوست!

تربیدی نیست که ابعاد عظیم خسارات و ویرانی های ناشی از زلزله تنها با همیاری مردم و برخی کمک های خارجی قابل جبران و ترمیم نیست. دولت موظف است برنامه ویژه ای را با بودجه معین برای بازسازی استان های زلزله زده به اجرا کنارد. هرگونه سستی و دفع الوقت در این زمینه غیرموجه است. صدها هزار مموطن داغدار و بی سرینهای باید هرچه سریعتر در خانه های ترمیم شده یا واحدهای مسکونی جدید اسکان بایند و خدمات درمانی و رفاهی حداقل در اختیار آنها قرار گیرد. دولت باید برنامه های بازسازی استان های زلزله زده گیلان و زنجان را به آکامی

برقرار باد "جبهه آزادی و صلح" ، طرد باد رژیم "ولایت فقیه"!



**رفیق
ابراهیم
آزادگر
چشم
از
جهان
فرو
بیست**

به یکی از محبوترین چهره‌های زندان تبدیل شد. همیندان او در آن سالها، در زندان قصر، هیچگاه سیمای خندان و دوست داشتی اش را فراموش نداشتند کرد. «شاطر ابراهیم» نونه ای از حسن اخلاق و محبت و پاکی بود.

رفیق در حالی سال‌های زندان را با روحیه‌ای عالی پشت سر گذاشته که خانواده اش از نظر مادی در شرایط فوق العاده سختی به سر می‌بردند. همین پس که همسرش در طول ۵ سال، تنها یک بار موفق شد برای ملاقات با او از تبریز به تهران بیاید. پس از آزادی، در برابر پرسش یکی از آشنازیانش که پرسیده بود: «تو که زن و بچه داشتی و می‌دانستی خانواده ات هیچگونه مر در آمدی ندارند، چرا از شاه طلب غفو نکردی؟» چنین پاسخ داد: «آخر چگونه می‌توانستم به اعتنادات برق خود پشت پایزم و نظامی را که تمام ناحق وجودش از جور و ستم سرهش بود، ذیح قلمداد کنم و خود را خطاکار بدانم!»

رفیق آزادگر پس از آزادی، پار دیگر به اردوی سالها، به سهم پیوست و در گذر سالها، خود بذر آگاهی و روشنگری را در اذهان انسان و با تمام وجود در انقلاب بهمن شرکت جست. در سال‌های پس از انقلاب نیز در سنگر حزب رزمید و در جریان پورش رژیم جمهوری اسلامی به حزب در بهار سال ۱۳۶۲ بازداشت گردید و مدتی دریند بود.

رفیق ابراهیم آزادگر تا وابسین دم حیات، با هشق به حزب و آرمان‌های انسانی خود نیست و بالین هشق از میان زندانیان و ایمان به آرمان‌هایش مارفت. یادش گرامی باد!

سوم به خود اختصاص داده است "را دقیقاً باید در چارچوب همین سیاست و ادامه آن ارزیابی کرد. حال آنکه ادامه این سیاست که به هیچ وجه با منافع سلحشورانه و آزادی خواهانه مردم ایران مخصوصانی دارد، نه تنها قادر نیست هیچ اگرهای موجود را حل کند، بلکه کشور ما را به سرعت به سوی یک فاجعه عظیم نابودساز سوق خواهد داد؛ نیروهای مسلح همچنان تقویت خواهند شد و در خدمت پیشبرد سیاست خارجی ما جراحتی ایجاد کنند. چرا که در اجتماعی موجود را حل کند، بلکه کشور را به سرعت به سوی یک فاجعه ایجاد کند، همه گسترهای شدن رشدیابنده، همه گسترهای زندگی جامعه انسانی را فرا می‌گیرد، هیچ کشور و خلق و دولتی نمی‌تواند خود را بیرون از دایره تأثیرات این طوفان مخلولات قرار دهد.

در این رهکنر، برخی از حکومت‌های خود کامه همانتند جمهوری اسلامی که در داخل کشور خود با بحران ژرف اقتصادی - اجتماعی روبرو هستند، راه بروون رفت را اساساً در انجام اصلاحات مین اقتصادی در چارچوب تحکیم سرمایه داری وابسته می‌بینند و برآورند که از این راه می‌توانند پایگاه اجتماعی خود در بین مردم گسترش دهند و چند صباحی بر عمر حاکمیت خود بیافزایند. روشی است که در این چاره اندیشه، رد پائی از درک رایطه هم بیوندی سرشی میان سیاست سالم و اقتصاد پویا و دیز میان انسان تولیدکر و خواستها و تمايلات متعدد انسانی اش دیده نمی‌شود. رشد و پیشرفت اقتصادی زمانی می‌تواند خصلت پایدار داشته باشد و جامعه را به سوی ثبات همه جانبه سوق دهد که با تحولات دمکراتیک و صلح جویانه درسیاست همپا باشد.

این زمان، رژیم قرون وسطانی

دست یابند. ژرفش روئنهای صلح خواهانه و دمکراتیک به گونه‌ای رشد پایانده عرصه را بر حکومت‌های خود کامه و جنگ طلب همانتند جمهوری اسلامی تنگ کرده است. چرا که در جهان پیکارچه، یهودیت و بقیه پیوسته کنونی که روئنهای بین المللی شدن رشدیابنده، همه گسترهای زندگی جامعه انسانی را فرا می‌گیرد، هیچ کشور و خلق و دولتی نمی‌تواند خود را بیرون از دایره تأثیرات این طوفان مخلولات قرار دهد.

در این رهکنر، برخی از حکومت‌های خود کامه همانتند جمهوری اسلامی که در داخل کشور خود با بحران ژرف اقتصادی - اجتماعی روبرو هستند، راه بروون رفت را اساساً در انجام اصلاحات مین اقتصادی در چارچوب تحکیم سرمایه داری وابسته می‌بینند و برآورند که از این راه می‌توانند پایگاه اجتماعی خود در بین مردم گسترش دهند و چند صباحی بر عمر حاکمیت خود بیافزایند. روشی است که در این چاره اندیشه، رد پائی از درک رایطه هم بیوندی سرشی میان سیاست سالم و اقتصاد پویا و دیز میان انسان تولیدکر و خواستها و تمايلات متعدد انسانی اش دیده نمی‌شود. رشد و پیشرفت اقتصادی زمانی می‌تواند خصلت پایدار داشته باشد و جامعه را به سوی ثبات همه جانبه سوق دهد که با تحولات دمکراتیک و صلح جویانه درسیاست همپا باشد.

این زمان، رژیم قرون وسطانی "ولايت فقیه" که ماهیتاً ضد دمکراتیک است، تلاش می‌ورزد حیات خود را با انتکاء به زندگی مردم را بازکند و جنبش اعترافی توده ها رفته رفته گسترش می‌پاید، به یک ضرورت حد تبدیل شده است. تباید اجازه داد رژیم از پراکنده‌ی دمکراتیک مردم آذربایجان و حقوق شرکت جست. از زمان غیرقانونی شدن حزب در سال ۱۳۲۷ تا کوادتای ۲۸ مرداد، بارها به خاطر فعالیت‌های حزبی اش بازداشت گردید. پس از کوادتای ننگین ۲۸ مرداد نیز روح پیکارگریش آرام نشاخت. یک بار هنگام شمار نویسی علیه رژیم کوادتاً توسعه ایشان با چاقو زخمی گردید و یک بار هم به مدت شش ماه زندانی شد.

در سال ۱۳۲۸، در جریان پورش گستردۀ رژیم شاه به سازمانهای حزب، "شاطر ابراهیم" نیز به همراه گروه آذربایجانی‌ها بازداشت و به ۵ سال زندان محکوم گردید. رفیق در سال‌های زندان به خاطر پایداری در پر ابریز زندانیان و ایمان به آرمان‌هایش مارفت.

در سال ۱۳۶۲ در پیاره سال ۱۳۶۲ بازداشت گردید و مدتی دریند بود.

رفیق ابراهیم آزادگر تا وابسین دم حیات، با هشق به حزب و آرمان‌های انسانی خود نیست و بالین هشق از میان زندانیان و ایمان به آرمان‌هایش مارفت.

در سال ۱۳۶۲ در پیاره سال ۱۳۶۲ بازداشت گردید و مدتی دریند بود.

گسترش اعترافات در درود و رونار

خبر جسته و گریخته‌ای که از محافل ارتقی و سپاهی بکوش می‌رسد، حاکی از گسترش هیجانات و تأثیراتی و بروز برخی افتشاشات در نیروهای مسلح رژیم است. دلایل این افتشاشات نیز بحران ژرف اقتصادی - اجتماعی، عملکرد خیانت پار سران مرتعج رژیم "ولايت فقیه" و نیز تأثیرات جناح بندیهای موجود هیئت حاکمه در صنوف نیروهای مسلح است. در این راستا، پرسنل نظامی در تهران و شهرستانها دست به حرکات اعترافی زده و می‌زنند.

بخش‌هایی از :

گزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و وظایف آن،

ارائه شده به ۲۸ - امین کنگره ح.ک.ماش

توسط رفیق میخائیل گارباچف

دوم زوییه ۱۹۹۰ بیست و هشتمن کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی در تالار کنگره های کاخ کورملین در مسکو با شرکت ۴۶۸۳ نفر غایبند کان منتخب واحد های حزبی به کار آغاز کرده. هر یک از برگزیدگان شرکت کننده در کنگره غایبندگی ۴ هزار نفر از اعضای حزب کمونیست اتحاد شوروی را بر عهده داشتند. در نهضتن روز تشکیل کنگره، میخائل کارپاچف، مدیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، گزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و وزیر امور خارجه کرد.

نام مردم با توجه به اهمیت روید دگرگونی سازی در اتحاد شوروی و تأثیر نیرومند آن بر سیاستها و سیر حوادث جهان و نقش مهمی که حزب کمونیست اتحاد شوروی، به عنوان مبنکر و مجری اصلی این سیاست ایفا کرده و می کند، خواهند کان خود را در شماره های آینده با خلاصه ای از بخش های مختلف گزارش و با قطعنامه و عده ترین مسائل مطروحه در کنگره آشنا می کند.

وضع جاری

وضع جامعه ما امروز موضوع مباحثات تند و نگرانی ها و حتی ازبایلار، های مقننگانی است.

مدل... استالینی سوسیالیسم جای خود را به جامعه شهروندان ازad می دهد. سیستم سیاسی از بیخ و بن تغیر می پابد، دمکراسی با انتخاب آزاد، تعدد احزاب و رعایت حقوق پسر مستقر می شود و حاکمیت واقعی خلق احیا می کردد. مناسبات تولیدی ای که موجب بیکانگی زحمتکشان از مالکیت و ثمره زحمتشان پوده است، کنار گذاشته می شود، شرایط برای مسابقه آزاد تولید کنندگان سوسیالیستی فراموش می گردد. تبدیل دولت فوق متمرکز به اتحاد واقعی مبنی بر خودمعتاری و وحدت داوطبلانه خلقتها آغاز شده است. آزاد اندیشه و علمیت جای جو تحمیل ایدئولوژیک را می گیرد.

خلیل چای چو حمیل اید تو زونیک را می کیرد.
نواندیشی سیاسی به ما کمک کرده است که جهان پیرامون خود
را به شیوه ای نوین ببینیم و واقع بینانه ارزیابی کرده، از برخورد مقابله
جویانه در سیاست خارجی اجتناب کنیم.
بعد از آوریل ۱۹۸۵، حقیقت را برای مردم بازگو کردیم. پرده
تبیختر دروغین را کنار زده و اعتراف کردیم که توانسته ایم در عمل

ما، ظرف پنج سال، در تمام جنبه های زندگی جهشی انتقلابی انجام دادم. این امر به مجازه زده داد که به مرحله عمده ای پا یکدازم. امرورز طرح مستله چنین است: یا اینکه جامعه شوروی در راه تحولات ژوف آغاز شده به پیش خواهد رفت و در چنین صورتی مطمئنم که کشور بزرگ کیرالله ما آینده شایسته ای را در پیش روی خواهد داشت؛ یا اینکه نیروهای ضد دگرگونسازی دست بالا را خواهند داشت، که در این صورت، کشور و مردم بدون تعارف با ایام تیره و تاری روپرتو خواهند شد.

آیا سمت گیری آغاز شده در آوریل ۱۹۸۵ درست بوده است؟ ما امروز از "سوسیالیسم" چه درکی داریم؟ در نظر داریم از کدام اصول در سیاست داخلی و خارجی خود استفاده کنیم؟ پر پدیده های بحرانی که در زندگی مردم بوجود آمده اند و به حق موجب تاخشندی شده اند، چگونه باید غلبه کرد؟ چه سرنوشتی در انتظار وطن ماست؟ چگونه ما اتحاد جمهوری های مستقل مان را تامین خواهیم کرد؟ جاییکاه حزب در شرایط جدید کجاست؟ حزب پایتی به حفاظ سیاسی - حقیقتی و سازمانی چگونه باشد؟ برای احیای حزب کمونیست اتحاد شوروی، به مشاه سازمان انقلابی زحمتکشان، که مورد اعتماد مردم باشد، چه باید کرد؟

١٦

دکرگونسازی ضرورتا به منافع کسانی که قدرت واقعی در دستشان بوده است و ثروت خلق را به نام خلق دراختیار داشتند در تصادم قرار خواهد گرفت.

موضع کنونی بخشی از کادرهای رهبری که هودار وضع پیشین هستند و به هیچ وجه نمی خواهند به روند دکرگونسازی پیویندند و آن را خواه از نظر سیاسی و خواه از نظر روحی نمی پذیرند، برای ما روشن است و ما باید پدالیم که اگر موضع گیری اینکوئی کارکنان - که همانطور که گفتیم در تمام بخش های ساختارداری هستند - بی اثر نسازیم، روندهای دکرگونسازی به تیرگی خواهند گرفتند.

فعال شدن نیروهای ناسیونالیست و انواع نیروهای اخلاقگر که اذری اجتماعی را به نفع اهداف آزمدنه خود مورد پهنه برداری قرار می دهند و در مقابل هرگونه بی ثباتی وضع متوقف نمی شوند، کار اجرای وظایف دکرگونسازی را با پرتبه جدی روپرداخته است. از اینروست، که گاه اینجا و آنجا، نزاع هائی درمی گیرد. اینکه در اجتماع نیروهای پدیدار شده اند که ما را به سوی نظام بورژوازی هول می دهند و راه برون رفت از وضعیت پغنم کنونی را درگذار کشور به سرمایه داری می بینند می توان نادیده گرفت.

حال هنگامی که ما به مرحله تعیین کننده تحولات در تمام زمینه های زندگی کام می گذاریم باید به پدیده همکاری افراطی ترین جریانات، نیروهای اخلاقگر و اکستریمیست توجه داشت. آنها متوجه می شوند که افزاد را منحرف سازند و ما را از حرکت در سمت صده دکرگونسازی بازدارند. اینکه، برای ما، بیش از مر وقت دیگر توانق در اجتماع، در عالی ترین درجات آن، ضرور است. حال وقت تمام جت کردنها و روپاروتویی، اعمال حساب نشده که بتواند افراد را از هم جدا کند، نیست. زیرا بیش از پیش وضع را و خیم خواهد ساخت. در اجتماع روحیه ای به نفع وحدت مساعی آوج می گیرد.

سیاست دکرگونسازی، آزمون و دورنمایما

رقنا

یکی از احکام استراتژیکی اصلی تدوین شده توسط کنکره بیست و هفتم حزب، تصمیم درباره تغییر جهت اجتماعی اقتصاد به سوی انسان بود.

در این زمینه چه کارهای انجام شده است؟ بیش از هرچیز، تصحیحاتی درسیاست ساختاری به عمل آمده، که طی پنج ساله جاری سرعت رشد رشته های تولید کننده کالاهای مورد مصرف عموم به میزان متابله، نسبت به رشته هایی که وسایل تولید را فراهم می کنند، افزایش یافته است. اگر چنانچه اصطلاح مورد قبول خدمان را بکار بکیریم، می توانیم بکوئیم برای تختستن بار گروه "ب" نسبت به گروه "آ" فعالیت عمل می کند. سرمایه گذاری در رشته های مستقیماً در ارتباط با انسان و درخدمت او رو به افزایش گذاشته است. برای اقتصاد عظیم ما این سمت گیری فوق العاده مهم است و ما نه تنها باید آن را محکم کنیم، بلکه باید هرچه بیشتر تکامل بخشمیم ...

در ارزیابی خاوری تحولات عمیقی به وقوع می پیویندند. هنگامی که گفته می شود این "فکست سوسیالیسم" است، ما متقابلانمی پرسیم: کدام "موسیالیسم"؟ آن سوسیالیسم که در روابط غونه سیستم استبدادی - بوروکراتیک استالینی بود که ما خود از آن روی برخانیم؟ حتی ما را سرنوشتی کنند که ما از آنجا، بدون چنگ بیرون رفتهیم. این طور بر من آید که تو سیه می کنند که باید به آن چیزی دست می زدم که قیلا دست زده ام؛ همان چیزی که ناقصه اند را در و محاکوم کردند ام.

زندگی شایسته ای پر ایشان تامین کنیم. تمهیکارهای نظام استبدادی - بوروکراتیک را محکوم ساختیم. نام نیک هزاران تن را که قربانی تفیقات هیرقانوی شده بودند، زندگی کردیم ...

ما نمی توانیم به این پرسش پاسخ ندهیم که چرا رود دکرگونسازی که با میمارهای تاریخی با کامیابی آغاز شد و دستاوردهای پسیاری برای جامعه به ارمنان آورد، در مداوای پسیاری از پیماری های آن ناتوان ماند. وضع حتی به معنی پدرترشده است. در درجه اول، این امر مربوط به بازار مصرف، اقتصاد بطروری، نظم اجتماعی و مناسبات بین ملتهاست.

پاسخ دقیق و مستدل به این پرسش که چرا چنین شده است، برای تیجه گیری پیرامون اینکه در آینده چه باید کرد مهم است.

میراث پسیار سنگینی نسبت می شده است ... اینکه صداهای فینیده می شود که گویا دکرگونسازی مسئول قام مصاب کوتولی ماست. از این‌گاه کلام خذر می خواهم . ساده یک کلمه این مخترف است.

بین توجهی به روستاها و صنایع تبدیلی آیا دیروز، یعنی پس از ۱۹۸۵ آغاز شده است؟ ۱ ... وضع رقت بار چنگلها، رودخانه ها، میلیونها هکتارها زمین های حاصلخیز که در تیجه سیاست گذشته در زمینه تولید اذری در زیرآب غرق شده اند، آیا محصول سالهای اخیر است؟ وضع دشوار محيط زیست که بیش از صد شهر را در مناطق بلا دیده قرار داده است، بیش از هزار موسسه که در نتیجه این امر متوقف شده اند، فاجعه پایکال، آرال، آذوقی، چرتوپیل و سایر فاجعه های راههای آهن و لوله های کاز، آیا قمره سیاست دهه های اخیر است؟ آیا ساختار اقتصادی ای که فقط یک هفتم ذخایر تولیدی صنتی را به تهیه کالاهای مورد مصرف عموم اختصاص می دهد و تاکنون حفظ شده است، مکرر در سالهای ۳۰ بوجود نیامده است؟ آیا همه آن چیزی که امروز در مناسبات بین ملتها بروز کرده است، ریشه در گذشته ندارد؟ من دیگر درباره نظامی کردن اقتصاد که بهترین و ظیم ترین منابع مادی و انسانی را بلاییده است و بیش از تلفات جبران نایدیر انسانی در رابطه با جنگ افغانستان سبب نمی کنم.

پایانی عینی و اصولی به مسائل برخورد کنیم. در سیاست های پزرگ مقیاس تسلیم هوس های کوچک ناید شد. مسئله ما و شما اصلاح کار، تغییر همه چیز در راستای بیهودی است، بهسازی زندگی انسانهایست و نمی توان گفت که همه آن چیزی که ما امروز با آن سرو کاردادیم، تیجه دکرگونسازی است ...

ما پسیاری امور را می توانستیم بیش میتی کنیم. بیضی روندها را بیوڑه در اقتصاد و مسائل اجتماعی، مناسبات بین ملتها، در زمینه فرهنگی و ایدئولوژیک می توانستیم بیش میتی کنیم و از وقوع آن جلوگیری به عمل آوریم. هیئت سیاسی در قبال این اشتباوهای از خود سلب مسئولیت نمی کند.

ولی به نظر من، کنکره برای برگزاری دادگاه صحرایی گرد نیامده است. ما پایستی تحلیل علل را ادامه دهیم و آن وضعی که کشور را در آستانه ضرورت تحولات انتقلایی قرار داد، درست ارزیابی کنیم. اخراج این تحولات ضرور بود. چرا که اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی یا سرعت روبه تزایدی در جهت تبدیل شدن به کشور درجه دو حرکت می کرد. در آغاز سال های ۸۰ روش بن بود که وضع ظاهرا خوب، ما در ازای استفاده وحشیانه و اسراف کارانه متابع طبیعی و انسانی حاصل شده است.

ما پایستی دقیقاً تیجه کار خود را در درازای پنج سال پس از کنکره بیست و هفتم حزب بررسی کنیم. قبل از همه، برای درک درست حلته جاری نمی توان این امر را که دکرگونسازی پایان نیافر است، به بوته فراموشی سپرد. ما در مرحله گذار قرار داریم. چون دموکراسی سیستم گذشته تمام نشده، به طرق اولی سیستم جدید نیز شکل نگرفته است. پتابراین، پایستی قاطعه ای تر عمل کرد. زیرا تعلل، و خامت اوضاع در کشور را تشید خواهد کرد ... یکی از حل جدی ای که بخاطر آن ما در اجرای پسیاری از اندامات با چنین دشواری روپرداختیم، آنست که قشر بوروکرات در ساختار اداری و نیروهای اجتماعی وابسته به آن با تحولات مختلف می کند. البته ما می دانستیم که

بطور کلی ما به بازار، نه به عنوان هدف، بلکه به عنوان وسیله افزایش کارائی اقتصاد و سطح زندگی مردم را تکمیل کنیم. این امر باید مست گیری جدی اجتماعی پیدا کند و به سوی تامین منافع انسان کام بردارد.

اینجا پایه ای برای بهره کشی وجود نخواهد داشت. بدینسان، با حركت به سمت بازار، ما از سوی ایالیس دور نی فرم، بلکه در چهت پکار گرفتن کامتر امکانات جامعه گام برمی داریم. این امر منسون دگرگونسازی را تشکیل می دهد.

هنگامی که ما در جاده تغیرات عمیق در کشور کثیرالملل خود گام بر میداریم، آرامش، صلح و همکاری برای همه خلقها ضرور است. امیدوارم که این دعوت کنکره در همه گوش و کثار کشور کثیرالملل بزرگ مانع نباشد.

رقابا

برای رiform سیاسی کاری مفصل و دارای اهمیت اصولی اجماع پذیرته است که ضرورت اجماع آن را در جهان گسترش یافتد روندی دگرگونسازی درک کردیم. آنکه که روند دگرگونی اقتصادی در تضاد با سیستم سیاسی گذشت موقوف ماند، کمیته مرکزی به این موضوع پاجدیت قام پرخورد کرد و در رابطه با مجموعه مسائل طروخه، کار اساسی را سازمان داد. در اینجا می خواهیم اهمیت ویژه پلنوم ۱۹۷۷ را پادآوری کنم. در آنجا برای اولین بار تحلیل دقیقی از عملکرد رiform سیاسی ما و جایگاه حزب و شوراها در آن به عمل آمد. دقیقاً در آن هنگام بود که مایاصدای رسالت ضرورت تحقیق اندیشه های لینینی نظریه حکومت خلقی را اعلام داشتیم...

رونده اصلاح سیستم سیاسی کشور با پژوهی جامه عمل می پوشد. نقش و عملکرد نهادهای حزبی، دولتی، شورائی و سازمانهای اجتماعی تغییر می پاید. رک و راست پکوئیم این امر به شکلی در دنیاک اجماع می پذیرد؛ چون به منافع متعدد ترین اشار اجتماعی و گروهی مردم، به سوابی نظام اداری کشور و میلیونها نفر از مردمی که به این امور مشغولند مربوط می شود.

هم اکنون هنگامی که مرحله دوم رiform سیاسی پایان پذیرته است، وظیفه حزب را در آن می بینیم که به استقرار نهادهای توپیاد حکومت خلقی پاری رساند...

رقابا در حال حاضر، وظیفه محکم امر اجرای قانون ونظم حقوقی در صدر مسائل قرار گرفته است... ما باید ارتباط بلا واسطه و وضع نظم حقوقی و قانونیت را با سطح ثبات سیاسی و اجتماعی در کشور، به روشی بینیم.

زمانی که ما دگرگونسازی را آغاز کردیم، به خوبی می فهمیدیم که هیچکوئه دگرگونی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بدون انقلاب در انکار، بدون رستاخیز معنوی و نوسازی نظری، به وسیع ترین معنای آن، ممکن نیست. فکر می کنم ما همه به خاطر داریم که جامعه پیش از دگرگونسازی تحت چه فشار ایدئولوژیکی و شعور اجتماعی در اسارت چه جزم ها و تصورات کهنه ای قرار داشتیم؟ از این رو، باید از همان آغاز انکار و اندیشه ها را از پنده اسارت آزاد می ساختیم. این امر مهمترین بخش استراتژی دگرگونسازی است.

به ابتکار حزب، منعیت های پوج از زندگی معنوی و پووغ دستورات استالینی - اژدانوفی به کثار زده شد.

رقابا برای اینکه دورمای رشد خود رادرست مشخص کنیم می بایست در تاریخ خود نیز به غور بپردازیم. این شاید یکی از دشوارترین و دردنیک ترین و در عین حال یکی از ضرورترین روندهای سالم سازی است و در این مورد حزب ابتکار را خود به دست گرفته است...

همه ترین بخش دستیابی خلق به حقیقت تاریخی، بازیبینی در پرونده های مهه قریانیان بی قانونی دوران تضییقات استالینی بوده است. در نتیجه فعالیت کمیسیون های هیئت سیاسی حزب کمیسیون اتحاد شوروی، حیثیت حزبی و شهرورنده هزاران و هزاران کمیسیون، رهبران

اگر چنانچه در گذشته رشد متوسط مبادله کالا درسال، ده یا دوازده میلیارد روبل بوده است، طی پنج ساله اخیر به بیست میلیارد روبل رسیده است و تنها طی سال گذشته به سی و هشت میلیارد بالغ شده است. مصرف سرانه افزایش یافته، درحالیکه وضع بازار مصرف نه تنها بهبودی نیافته، بلکه دریسیاری منفی در اقتصاد شد؟ بایستی صراحتاً گفت که اگر دولت پرخورد همه جانبه در اجرای رiform اقتصادی به عمل می آورد، این عوارض می توانست به مراتب کمتر باشد.

این پیش از همه تیجه آنست که درآمد پولی به مراتب سریع تراز تولید کالا رشد یافته است...

طیپتاً این پرسش مطرح می شود که آیا ممکن بود از این اشتباه جلوگیری کرد و مانع گرایش منفی در اقتصاد شد؟ بایستی صراحتاً گفت که این تو خود رهه جانبه در اجرای رiform اقتصادی به عمل می آورد، این عوارض می توانست به مراتب کمتر باشد.

این برای ما درسی است جدی واز اینجاست که ضرورت شتابان سازی و ژرفش رiform اقتصادی سرچشمه می گیرد. نمی توان پیش از این با سیستم اقتصادی ای سر کرد که به پیشرفت علمی - فنی و تکنولوژی جدید بی توجه می ماند...

به این ترتیب، منطق دگرگونسازی و وحامت وضع اجتماعی - اقتصادی، کشور ما را کاملاً به ضرورت تحولات پیادین در سیستم اقتصادی رهنمون ساخته است...

هنگامی که مردم مسئله راههای گذار به اقتصاد بازار را مورد بحث قرار می دهند، چه چیزی آنها را نگران می کند. نگرانی آنها اینست که این امر به تنزل سطح زندگی آنها و مرزیندی اجتماعی جامعه خواهد بجا میم؟ آیا عدالت اجتماعی برای مردم و حمایت از آنان تامین خواهد بود؟ ...

بطور کلی ما به بازار، نه به عنوان هدف، بلکه به عنوان وسیله افزایش کارائی اقتصاد و سطح زندگی مردم نگاه می کنیم. این امر باید سمت گیری جدی اجتماعی پیدا کند و به سوی تامین منافع انسان کام بردارد.

اینجا پایه ای برای بهره کشی وجود نخواهد داشت. بدینسان، با حركت به سمت بازار، ما از سوی ایالیس دور نی شوم، بلکه در چهت پکار گرفتن کامتر امکانات جامعه گام برمی داریم. این امر مضمون دگرگونسازی را تشکیل می دهد.

البته عملی ساختن برنامه های عظیم علمی و فنی درازمدت، تکامل علوم پیادینی، فرهنگ و برنامه های اجتماعی و محیط زیست در سطح کشور را نمی توان به اراده بازار واگذار کرد. هنگام گذار به اقتصاد بازار پایستی تدبیرآولیه را مشخص کرد. امروز هیچکس مانع آن نیست که موسسات دولتی سهامی آغاز بکار کنند، آزادی واقعی برای ابتكارات تولیدی شود، موسسات کوچک و فروشکارها اجاره داده شود، خرید و فروش مسکن، سهام و سایر اوراق بهادر و قسم اسایل تولید مجاز باشد.

ما طرقدار آنیم که در قرارداد جدید اتحاد جمهوری ها عرصه حقوق اقتصادی جمهوری ها، اصول مناسبات آنها در مجموعه اقتصاد واحد بطور مشخص تعین گردد...

وحدت و یکپارچگی اقتصاد ما، شرط حتمی تشکیل بازار تمام عیار سرتاسری کشور است...

باید گفت که هیچ رشتہ اقتصاد ملی در محیط بازار به اندازه روستای ما و پیش کشاورزی به آزادی اقتصادی نیاز نخواهد داشت. برآنم که کالخوزها و ساوخرزهای که اقتصاد خود را با کامیابی پیش می بینند. در اجرای برنامه های اجتماعی موفق آند و شرایط زندگی شایسته ای برای دهقانان بوجود می آورند و محصولات لازم فراوانی برای مصرف جامعه تولید می کنند به همه گونه پشتیبانی نیاز دارند... به نظر من، اینکه ما بپر از هر وقت دیگری محتوا نظرات لین را درباره خصلت و سیمای اتحاد جمهوری ها به عنوان وحدت داولبلانه خلقها که بازمینه تاریخی و پریایه منافع اقتصادی و سیاسی بوجود آمده است، درک می کنیم. در اینجا خواست اولویت حقوق پسر برهرگونه منافع حاکمیت و خودختاری ملی به قوت خود باقی می ماند. حال،

رشدهای اجتماعی قرار داد. زمان، پرورش پاهم، آفرینشگری با هم و همکاری حکم می‌کند.

و ثالثاً، پیوند اقتصاد ملی ما با اقتصاد جهانی، نه تنها برای مدرنیزه کردن اقتصاد خود مالازم است، بلکه برای ساختن پایه‌های مادی دوران بازگشت ناپذیر تاریخ جهانی به منظور حل مسائل همه پسری است...

سیاست مبتنی بر برداشتها و ابتکارات جدید که در چارچوب نوادرانی مطرح گردیده، هم اکنون به شکلی جدی به بمبود وضع بین المللی پاری رسانده و خطر جنگ جهانی را دور کرده است. برای ما امکان تقلیل هزینه‌های نظامی و همانطوری که گفتیم تخصیص امکانات برای دستیابی به اهداف صلح آمیز فراهم شده است.

در توجه دکرگونسازی و نوادرانی در مناسبات بین اتحاد شوروی و ایالات متحده از رویارویی و مسابقه تسليحاتی، چرخشی به سوی تفاهم و در مواردی حتی همکاری به وقوع پیوسته است. این امر وضع جهانی را بهبود بخشیده، آغاز حرکت بی سابقه ای را در دوران صلح آمیز زندگی پسری پایه گذاری کرده است.

مناسبات با چین عادی شده است که این امر، اهمیت بزرگی برای هر دو خلق کبیر و صلح بطور عام دارد. در اروپا که عرصه شدیدترین "جنگ سرد" و تقابل مسلحه‌های بوده است، برای دخستین بار رونداقعی خلع سلاح، از سلاح‌های هسته ای آغاز گردید. در سراسر تاریخ کشورمان، ما تاکنون چنین مناسبات حسن و نیکوگاهانه‌ای با اکثر کشورهای این قاره داشته‌ایم.

در اروپای خاوری تحولات عمیقی به وقوع می‌پیوندد. هنکامی که گفته می‌شود این "شکست سوسیالیسم" است، ما متناسبلاً می‌پرسیم: کدام "سوسیالیسم"؟ آن سوسیالیسمی که درواقع نموده سیستم استبدادی - بوروکراتیک استالینی بود که ما خود از آن روی برتابیم؟ حتی ما را سرزنش می‌کنند که ما از آنجا، بدون جنگ بیرون رقصیم. این طور بر می‌آید که توصیه می‌کنند که باید به آن چیزی دست می‌زدیم که قبل دست زده ایم؛ همان چیزی که ما قاطعانه آن رارد و محکوم کرده‌ایم.

آری این پرسش مطرح است که این کشورها (کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی) در زمینه رشد اجتماعی - اقتصادی خود به کدام سو می‌روند؟ ولی این مسئله انتخاب خود خلتهاست. ما دقیقاً به موجب اصل آزادی انتخاب که حکم پیشرفت و شرط حفاظت کلیه فرهنگ‌های معاصر است عمل کرده و خواهیم کرد...

فکر می‌کنم که کنگره بیست و هشتم حزب کمونیست اتحاد شوروی تایید شهود حاصله در می‌این سالها را در عرصه بین المللی بطور شایسته در پرابر خلتها کشورها و تمام جهان ارزیابی خواهد کرد و بار دیگر تزلزل ناپذیری روند سیاست خارجی مان را که بر نوادرانی استوار است، تائید خواهد کرد.

کارانی این سمت گیری، قبل از هرچیز، ناشی از آن است که در آن دلهره‌ها و امیدهای بیرون بشریت منعکس شده است. در عین حال، این نیز برای همه روشن است که قدرت کشورها که نبروهای مسلح بخش جدایی ناپذیر آن را تشکیل می‌دهند، کارانی سیاست خارجی ماست. اینکه اندیشه‌های جدید و ابتکارات سازنده از سوی یکی از کشورهای بزرگ مطرح گردیده، حائز اهمیت سترگی است. ضمناً این کشور، نه تنها این اندیشه‌ها را اعلام کرده، بلکه خود در عمل دلستگی اش را به این اندیشه‌های نوین نشان داده است.

لی، نوان به تنهایی به جامعه ای شکوفا، آزاد و دمکراتیک دست یافت، اگر واه خواه را در مقابل دیگر راه و لیدهای اجتماعی افزایش نماید، نه تنها آفرینشگری با هم و همکاری حکم می‌کند.

بزرگ حزب و دولت، کارگران، دهقانان و روشنفکران، پس از مرگخان اعاده شده است. کمیته مرکزی ارزیابی اصولی خود را نسبت به سیاست جمعی کردن اجرای کشاورزی و خالی کردن روستا از روستاییان را که پیامدهای فاجعه‌باری برای سرتاسر کشور داشته، بیان کرده است. ولی من فکر می‌کنم که این کار را هنوز به پایان نرسانده ام و باید به آن ادامه دهم.

در طرح بیانیه برنامه‌ای، که به کنگره ارائه شده است، مانند پسیاری از استاد و سخنرانی‌های دوران دکرگونسازی به اندازه کافی روشن گفته می‌شود که ما از چه چیز درگذشته خود باید بطور قاطع دست برداریم و چه چیز را در آینده نمی‌خواهیم با خود داشته باشیم. ولی، ما مخالف نمی‌باشیم همه آن چیزهای هستیم که خلق ما پس از اکبر الجام داد و نسبت به نسل های از مردم شوروی که از اندیشه‌های سوسیالیستی الهام می‌گرفتند ادای احترام می‌کنیم. آنان می‌خواستند کشور را ثروتمند، با فرهنگ و شکوفا سازند. برای این کار از صرف نیرو و سلامت خوبیش درین نکرده‌اند. آنان در مخوتنین جنگها از وطن دفاع کرده‌اند. وجود آنان در مقابل تاریخ پاک و منزه است.

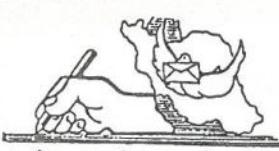
بنابر تصمیم کمیته مرکزی هم اکنون جمعی برای تدوین "تاریخ مختصر حزب کمونیست اتحاد شوروی" تشکیل شده است که امیدوارم با امانت داری و عینیت علمی، بربایه دقیقاً مستند، تصویر عادلانه زندگی و میاره حزب را بازسازی کنند.

چند کلمه درباره علوم اجتماعی - حزب بطور قاطع طرفدار تکامل آزاد آن است. ما به شهادت‌ها و توجه کیریهای عینی علم نیاز حیاتی داریم. بایستی بالاطمیتان قیاد به توجه کارو توصیه های دانشمندان برخورد کرده، ثمره کار آنان را در سیاست و پسورد مردم مورد پهنه برداری قرار داد. کنگره بایستی موضوع حزب را که طرفداری از رشد آزاد فرهنگ، ادبیات و هنرهای زیبا براساس غنای قام عیار ارزش‌های جهانی و میهنی هست بیان کند. رفقاً ما هنکامی که برنامه دکرگونسازی را تنظیم می‌کردیم، می‌دانستیم که اگر شرایط بیرونی حیات کشور از بنیان تغییر نیابد، انجام آن با موقیت و ویرونو خواهد شد. از این روز، می‌بایست برخورد خود را تغییر می‌دادم و سیاست بین المللی نوینی به جهان عرضه می‌داشتم. پس از جنگ جهانی دوم دکرگونیهای عظیم اجتماعی، ملی، اقتصادی، سیاسی، فنی، علمی، آکولوژیک (حفظ محیط زیست) و دموکراتیک بوجود آمد. آنها در اواسط سال‌های ۷۰، سیماهی جهان وا به کلی تغییر دادند و بنیادهای هستی بشریت را دگرگون ساختند. فرهنگی نو زاده می‌شود...

به انتکاه تحلیل از وضع معاصر بین المللی، به خلع سلاح روی آورده و با دستیابی به تجارت معین، دروازه اجرای سیاست خارجی، ما به صحبت سه زمینه اصلی فعالیت بین المللی معتقد شدیم:

اولاً، غمی توان امنیت خود را به حساب عدم امنیت دیگران و منافع خود را به ضرر منافع دیگران قائم کرد و ادعای پهتر داشتن چکوونگی ساماندهی امور خلتها و کشورهای دیگر را داشت. در پذیرش آزادی انتخاب برای هر خلق، بنیادی ترین مقدمه ساختمان نظم نوین جهانی است.

ثانیاً، غمی توان به تنهایی به جامعه ای شکوفا، آزاد و دمکراتیک دست یافت، اگر راه خود را در مقابل دیگر راه



به ما می‌نویسند

تخرب خانه‌ها بر سر زحمتکشان

معلمان زحمتکش آموزش و پرورش منطقه ۱۸، از مدت‌ها پیش، از طریق تشكیل تعاونی مسکن، نسبت به تامین سرپناهی برای خود اقدام کرده بودند. پس از مدت‌ها دوندگی آنها توانستند با پرداخت ۳۰۰ هزار تومان به ازای هر قطعه زمین، برای بعضی از افراد، در مصلی آباد شهریار، زمین دیافت کنند. تمدید از این زمینها با مشارکت خود افراد ساخته و بقیه نیز در دست ساختمان بود.

در تاریخ ۳۰ بهمن ماه، شهرداری منطقه ۱۸ جاده ساوه با کمک گرفتن از مدیر شهرداری های منطقه، شهریانی، ڈاندارمری و دیگر نیروهای انتظامی که با لباس مبدل در صحنه حاضر شده بودند، با چیزیات کامل به این محل حمله برده و اقدام به تخریب خانه‌ها می‌کنند. در این عملیات دهها مائین کمپرسی، لودر و ... شرکت داشتند.

معلمان و خانواده‌های آنها دست به مقاومت زده با مأموران تخریب به زد خورد پرداختند که می‌طن آن تمدید از معلمان دستگیر شده و عده‌ای به شدت مضروب می‌گردند. در همان روز معلمان متعرض به اداره آموزش و پرورش منطقه حمله کرده، پس از شکستن فیشه های ساختمان، در آن محل تحسن می‌کنند و خواستار تبیین تکلیف خانه‌های تخریب شده و اموال به غارت رفته خود می‌شوند. روز دوم تحسن، مدیر کل آموزش و پرورش تهران، در جمع مختصین حاضر شده، از آنها جلوچی می‌کند و می‌خواهد که دو هفته به او لرست بدند تا مسئله را پیگیری کند. معلمان نیز با فرست درخواست شده موافقت کرده به تحسن خود خانه‌های می‌دهند در طول این دهت کلیه بازداشت شدگان آزاد شده، به سرکارهای خود باز می‌گردند.

برایهای آخرين اخبار موجود، قرارشده در شهرک اندیشه، در مجاورت همان محل تخریب شده، به معلمان مجدد زمین واگذار شود.

در محل تحسن تراکت های نصب شده بود که روی آنها این عبارت به چشم می‌خورد:

آیا جواب خدمات معلمین زحمتکش جنوب شهری، حتی حرمت، ضرب و شتم، دستگیری و بازداشت و غارت اموال زندگی است؟*

*

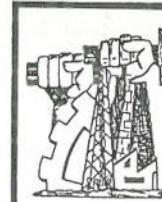
در غله حسنه خان نیز در تاریخ ۱۰ فروردین، مأموران شهرداری کرج به همراه سریازان جهت تخریب منازل نیمه ساخته پیوش می‌برند که با مقاومت شدید مردم مواجه می‌گردد. مردم با مأموران تخریب درگیر شده، از تخریب منازل جلوگیری به عمل می‌آورند. در این درگیری سر رانده لودر شهرداری شکسته می‌شود.

طبق گزارشات رسیده، شهرداری مجبور به عقب نشینی شده و مردم به ساختن خانه‌های خود ادامه می‌دهند.

اعدام ۱۱ کرد سنی مذهب

گفته می‌شود؛ رئیم شب عید فطر، ۱۱ نفر کرد را در ستدج اعدام کرده و خبر آن را رسمًا منتشر نساخته است. این عده، سنی مذهب بوده اند و به جرم هاداری از گروه شمس (شورای مسلمانان سنی) اعدام شده اند. رهبر گروه، سید احمد مفتی زاده از سال ۶۰ تا کنون در زندان به سر می‌برد و شایعه قوی ای وجود دارد که او را هم اعدام کرده اند. اعدام این عده پیشتر در ارتباط با تیرگی روابط با عربستان سعودی صورت گرفته است. نام یکی از اعدام شدگان که متهم به تبلیغ وهابی گری شده است، ملاناصر سیحانی است. شخص اعدام شده از نظر رتبه مذهبی، همطراز با حجت‌الاسلام بوده است. وی که ۲۰ سال داشته، دارای زن و سه فرزند است. او مورد توجه و احترام دوریسان یکی از دهات اطراف پاوه بوده است. حتی امام جمیع پاوه به خاطر خانواده او برای دریافت جسد مراججه می‌کند که به او هم جواب رد نداده اند. فقط گفته اند در قروه بین کرمانشاه و سندج دفن شده است.

از جنبش اعتراضی کارگران

از کارخانه‌ها،
زندگی و
رژیم کارگران

کارخانه ذوب آهن اصفهان نیز مانند دیگر مراکز اقتصادی کشور، قلمرو دزدان و سوءاستفاده کنندگان است. از میان دزدی‌ها و سوءاستفاده هایی که در سال گذشته اتفاق شد و خبر آن در میان کارگران پخش شد، نمونه هایی از آن می‌گردد:

- در یک اختلاس ۲ هزار تن محصولات تولیدی کارخانه توسط کارگران مهر، مدیر فروش و با معدسی دیگر مستولان ذیریط به قیمت دولتی به فروش رسیده که حتی وجه آن نیز دریافت نشده است.
- ۲- فروش ۲۰۰ تن آمن به دو نفر که نامه ای از طرف سپاه شیراز داشتند، در این مورد هم وجهی دریافت نشده است.
- ۳- فروش ۱۰۰ تن چدن به قیمت دولتی توسط محمد رضا یزدانی، معاون این انتلاسها از طریق دست بردن در استاد فروش و حواله های دولتی صورت گرفته است.

کارگران ذوب آهن اصفهان جهت پیگیری پرداخت هیدی و پاداش سالانه خود، تایپنده ای انتخاب و جهت مذاکره با مستولان شرکت به تهران اعزام می‌کنند. مدیران شرکت که می‌توانند تایپنده کارگران را وادار به پذیرش نظرات خود کنند، دستور بازداشت او را صادر می‌کنند. کارگران کارخانه با توجه به عدم پذیرفتن خواستهایشان توسط مدیران و همچنین وجود دزدی‌های گسترده در شرکت، تصمیم به اعتساب می‌گیرند. روز چهارشنبه ۱۳ اسفند ماه کارگران گروه تولیدی اقدام به جلوگیری از رود و خروج کلاه و افراد به کارخانه می‌کنند.

از ابتدای ساخت کار مستولان رژیم با کمک نیروهای کمیته های اصفهان و زین شهر و پامکاری خود فروختگان کارخانه از اعتساب و اجتماع کارگران با تهدید و دستگیری عده ای جلوگیری کردند.

*
گفته می‌شود در اسفند ماه کارگران پالایشگاه اصفهان نیز جهت اضافه دستمزد دست به اعتساب زدند.

در اسفند ماه ۶۸ کارگران کارخانه ریس یاف اصفهان، در اعتراض به پائین بودن دستمزد اعتساب کردند. مزدوران سپاه در هی این اعتساب به کارخانه اعزام شده، ضمن دستگیری عده ای از کارگران، اعتساب را سرکوب کردند.

اکنون مأموران سپاه و اطلاعات در کارخانه مستقر هستند و کنترل امور کارخانه را علا در دست دارند.

یکی از اعضای شورای اسلامی کارخانجات پارس الکتریک

جای تأسیف است که کشورمان را از لوٹ وجود شاه و شاهکارها پاک کردیم، ولی هنوز ماده ۳۳ قانون ستم شاهی را باید به پای کارگر پیدم و به وسیله آن کارگر را اخراج کنیم. همه مستولین می‌دانند که قانون کار اسلامی تقاضای زیادی از سوی کارگران نیست و بایستی هرچه زودتر به تصویب برسد. اگر قرار باشد که شورای تشخیص مصلحت نظام هرچند مدت پیش ۲۰ یا ۲۱ ماه آن را تصویب کند، تصویب نهایی آن سالها به طول خواهد انجامید.

(کار و کارگر ۶۹/۴/۲)



در مطبوعات مجلز

نماینده مجلس رژیم با آوردن
نقل قولهای از دکتر شریعتی
می‌گوید:

۶۶

آیا اسلامی است که ۴۰٪ مردم
قیصر پاشند و حدود بیش از ۲۰۰۰ نفر
در جامعه ما هر کدام سالی ۱۰ میلیون
تومان سود ببرند؟
شریعتی همچنین می‌گوید: عالمت
اینکه جامعه یا فردی از حافظ فکری
پیشرفت و باز است، این است که قدرت
تحمل عقیده مخالف را زیاد دارد، اما آدم
منحط، آدمی است که تحمل عقیده
مخالف را ندارد. وی می‌گوید:
دیکاتوری و آزادی از اینجا ناشی
نمی‌شود که یک مکتب حق می‌شمارد یا
نا حق، بلکه از اینجا ناشی می‌شود،
که آیا حق انتخاب برای دیکاران قائل
است یا قائل نیست.

۹۹

(حائزی زاده کیهان ۶۹/۳/۲۹)

رادیو زحمتکشان ایران گوش فرا دهید!

هم میهنان عزیزا!
کارگران و زحمتکشان!

رادیو زحمتکشان ایران بانگ رسای
زبان بی پند و آزاد توده های رغبیر میهن
ماست. به برنامه های رادیوی زحمتکشان
ایران گوش فرا دهید و هنیند آن را به
دوستان و آشنایان خود توصیه کنید.

رادیو زحمتکشان ایران هر شب در
ساعت ۱۹ بیست پنجم ساعت روی امواج کوتاه،
ردیف ۲۸ متر (۱۰۷۰ کیلو هرتز)، برنامه پخش می‌کند.
این برنامه در ساعت ۲۰ همان روز و ۶ صبح
روز بعد تکرار می‌شود.

برای رادیو زحمتکشان ایران به آدرس
زیر نامه پرسیده:

P. B 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

مرهمی به دردهای "جنگ زدگان"!

سالگرد ارتحال جانکداز حضرت امام خمینی رضوان
الله تعالیٰ علیه را در دست اجرا داشتیم. مراسم
باشکوه سوگواری شبانه روزی به مدت یک هفته در
صحن و حرم مطهر امام بزرگوار برگزار شد. شما
باید بدایید که برای هرچه باشکوهتر این مراسم
همه چیز تدارک و آماده شده بود. صدها دستگاه
کمپرسی و لودر و بولدوزر و تانکر و جرثقیل و
کامیون و کامیونت و غیره بی وقهه به کار گذاشت
خاکبرداری و حمل و نقل مواد و سطح بالاوردند و
آسفالت کردن و سنگ فرش کردن و نصب
تاسیسات و تریپلات و برقیکاردن منازه ها و گندبها
و گلدسته ها و ایجاد آب شاما و جنکل کاری و
کشاورزی زمین های مجاور و نصب چلچراغها و
دورافتکها و غیره و غیره شب و روز سرگرم کار
بودند. یک قلم ۶۶ نورافکن ۲۲ متري تمام محorte
حرم مطهر و پارکینگ ها را روشن می کنند (کیهان
۷ خرداد ۶۹).

چندین هزار نفر از مسلمانان و شخصیت های
علمی و فرهنگی و سیاسی کشورهای جهان برای
شرکت در این مراسم دعوت شد. برای پوشش
خبری این مراسم باشکوه ۱۶۴ خبرنگار خارجی به
تهران آمدند. برنامه های ویژه سوگواری باشکوه
شهرهای مختلف مردم عزادار که به صورت کاروان
های منظم به تهران عزیت کرده بودند اجرا شد.
مسلمانان داغدار جهان بامدادی مداحان اهل بیت
(سلام الله علیهم اجمعین) با سینه زنی و زنجیرزنی
در این مراسم شرکت کردند. برای رفاه زائرین،
زائرسراها و نانوایی ها و انبارها و فروشگاهها و
پارکینگ ها ساخته و آماده شده بود. در حاشیه
بزرگراههای متعدد به پهشت زهرا و در فواصل
معین تانکرهای چرخدار آب، دستشویی ها و
توالت های فابت و سیار و ایستگاههای صلوتی (۲) می
مستر شده بود (همانجا).

۱- راهم یکوم که در ساعت ۲۲ و ۲۰ دقیقه
یکشنبه شب ۱۲ خرداد، مراسم ویژه زمان عروج
ملکوتی روح بلند اجرا گردید و آواز پرhzین
پرواز نور به ملکوت اعلا و هجرت غبار مقتدای
پرخروش امت اسلامی امام بزرگواران (ع) در
آسمان لایتی ایران اسلامی و در فضای روحانی
صحن مطهرش طنین انداز شد (همانجا).

حالا فهمیدید بی دلیل نبود که ۲ میلیارد

ریال از بودجه جنگ زدگان کسر شد؟

- نماینده خرمشهر که دید جنگ زدگان
چیزی هم بدھکار می شوند مطلب را درز گرفت ۱

"نماینده خرمشهر در مجلس شورای اسلامی"
در سخنان پیش از دستورخود از "مقام مضمی
رهبری"، "روساي قوای سه گانه" و "نماینده کان مردم
تلقائی کرد به وضع سخت مهاجرین جنکی توجه
کنند. او در توضیح مطلب خود گفت: "ما از پشت
تریبون (فقط از پشت تریبون) از محرومین و
مستضعفین دفاع کردیم. از خالواده های معظم شهدا
و مقتدین و جانبازان مجیل به عمل آوردیم، ولی یک
بار به عنوان مرهمی به دردهای جنگ زدگان پادی از
این فراموش شدگان نکردیم.

آنان به خاطر انقلاب اسلامی قام اموال خوبیش
را از دست داده اند. زندگی شان از هم پاییشده شده
است. ولی متسافنه تنها و غریب در بدبختی جامعا
اکثرا با زجر زندگی می کنند. ناطق اضافه کرد:
"مسئلان بنیاد می گویند به علت کمبود اعتبار می
توانیم مشکلاتشان را حل کنیم. امسال متساقنه
دولت محترم بدون دلیل سه میلیارد از بودجه
مهاجرین کسر کرده است. مسئول بنیاد مهاجرین
نامه فرستاده و می گوید اگر این طور باشد به یعنی
شاهد قطع پاره ای از خدمات دیگر (۲) خواهیم بود".

وی در ادامه سخنان خود با ارائه آمار جنگ

زدگان گفت: "حدود یک میلیون و دویست هزار

جنگ زده دارم که حدود ۷۰۰ هزار زن از آنان چون
کارگر یا کارمند یا کاسبکار خود کننا (۱) می باشند،
دولت هیچگوئه کمکی به آنها نکرده... به یادی

مهاجرین که زیرپوشش مستند روزانه به هر نفر

تومان پرداخت می شود که با تورم موجود خواهد

یک جوجه مرغ هم نمی شود" (کیهان ۲ خرداد ۶۹).

- پاسخ مقدر "مقام مضمی رهبری":

اولاً، ما از پشت همین تریبون چند بار از
جنگ زدگان دفاع کرده ایم. به روزنامه ها رجوع
کنید!

ثانیاً، به فرض که نکرده باشیم. یادآوری از

فراموش شدگان یک "واجب کفایی" است و شما می‌خواهیم

امروز آن واجب را به جا آوردهید و بنابراین تکلیف از

ما ساقط است!

ثالثاً، بیش از یک سال است که جنگ تمام شده،

آبها از آسیاب اقتاده، خرمشهر و آبادان و اهواز و

هربزه و شهرهای دیگر به گواهی مصاحبه ها و

گزارش های روزنامه ها بازسازی شده اند و مردم

باید به سرخانه و کاشانه شان بازگردند!

رابعما، هفته ای نمی گذرد که کارگزاران

"اسلامی" ما از همه بلاد اسلامی برای رتق و ترق امر

"صدور انقلاب اسلامی" به ما مراجعته می کنند و ما

باید آنها را راضی برگردانیم!

و بالاخره، مهمتر از همه این است که ما همین

روزها بود که برگزاری مراسم بزرگداشت نخستین

NAMEH MARDOM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

ADDRESSES: 1- P.B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden
2- Dr.W.Silbermayer,PF.398,A-1141 Wien, Osterreich

NO : 320
July 17 1990

نامه مردم

بها : ۲۰ ریال